

پیام تبریک به مردم ایران به مناسبت آغاز سال جدید

مردم آزادیخواه

فاتح شیخ

از طرف حزب حکمتیست فرارسیدن سال نو را صمیمانه تبریک میگوییم. در سالی که گذشت، علیرغم اعمال سبعانه ترین تعرضات و فشارها از جانب جمهوری اسلامی علیه مردم و شهروندان جامعه، اعتراض و مبارزه آزادیخواهانه کارگران و زنان و جوانان و کل مردم در ابعاد وسیعی علیه رژیم سیاه اسلامی ادامه پیدا کرد. بازداشت‌های گسترده، زندان و شکنجه و اعدام‌های وسیع نتوانسته است مردم را مرعوب کند. آزادیخواهی و برابری طلبی بیش از هر زمان پا به صحنه گذاشت و مهر خود را بر فضای سیاسی ایران کوبید. دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب افتخار برافراشتن محکم این حرکت عظیم را بر عهده گرفتند.

سال ۱۳۸۷ را با امید گسترش و قدرتمند کردن هر چه بیشتر جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی مردم، به امید در تنگنا قرار دادن و سرنگونی رژیم جهل و سرمایه اسلامی و به امید بنیاد نهادن جامعه ای آزاد و برابر و انسانی آغاز میکنیم.

برای شما سالی مملو از شادی، سلامتی و سعادت آرزو میکنیم.

کمیته رهبری حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
۲۶ اسفند ۱۳۸۶ - ۱۷ مارس ۲۰۰۸

یاد "کمون پاریس": همیشه زنده و آموزنده

۱۸ مارس سالروز "کمون پاریس" را هر کارگر انقلابی، هر کمونیست و هر مبارز آزادیخواه و برابری طلب باید از دل و جان بزرگ دارد و برای آموختن و آموزش تجربه هایش تلاش کند. روز قیام پاریس، نه ماه از جنگ فرانسه و آلمان گذشته بود. در آن فاصله ارتش فرانسه شکست خورده و ناپلئون سوم اسیر شده بود. در فرانسه حکومت جمهوری "دفاع ملی" سر کار آمده بود. ارتش آلمان پاریس را محاصره کرده بود. چندین بار کارگران پاریس شورش کرده و سرکوب شده بودند. هم و غم دولت فرانسه سرکوب نهانی کارگران بود و حاضر بود در آن راه هر سازش خفتباری با آلمان را بجان بخرد. ۱۸ مارس ۱۸۷۱، کمیته مرکزی "گارد ملی" در برابر تلاش دولت برای خلع سلاح کارگران و در آوردن توپها از دست "گارد ملی" قاطعانه ایستاد قدرت را به دست گرفت، دولت را فراری داد و شیپور شروع انقلاب کارگری را در یک پایتخت بزرگ اروپائی به صدا در آورد: "کمون پاریس"، نخستین حکومت کارگری متولد شد.

در آن زمان "انترناسیونال" بعنوان یک سازمان جهانی و یک اتحادیه فراکشوری کارگران، هفت سال بود در راس مبارزه طبقه کارگر علیه بورژوازی همه کشورهای قاره اروپا حضور فعال و دخالتگر داشت و به فاکتور موثری در رشد استقلال سیاسی و همبستگی طبقاتی کارگران تبدیل شده بود. میزان تاثیر انترناسیونال بر کمون را میتوان با موج تنفر و هیاهویی سنجید که دولتهای بورژوا بدنبال قیام پاریس علیه انترناسیونال براه انداختند. مارکس در جواب آن هیاهو بسادگی توضیح داد: قیام پاریس توسط کارگران پاریس صورت گرفته است. نتیجتاً فعالترین کارگران، رهبران و مجریان آن بوده اند و البته ضمناً فعالترین کارگران، فعالان انترناسیونال نیز هستند

صفحه ۴

دیدار هفته در تلویزیون پرتو

کوروش مدرسی

• سالی که گذشت، سالی که معلوم شد کمونیستها حق داشتند



پرتو: سال ۸۶ از نظر جمهوری اسلامی سال پر از موفقیتی بوده است. اما از نظر مردم سالی پر از فقر و سرکوب و اعدام و خشونت بود. از نظر اپوزیسیون هم سال بدخیمی بوده است. ارزیابی شما چگونه است؟

کوروش مدرسی: بنظر من اینکه میگوئید سال بد خیمی بوده درست نیست. من به عنوان یکی از اعضای اپوزیسیون ایران فکر نمی کنم سال بدخیمی بوده است. در این سال برخی از جنبش ها شکست شان قطعی می شود و جنبش هایی دیگر به جلوی صحنه می آیند. البته این جنبش های به اصطلاح تازه، از قبل وجود داشته اند ولی امسال به عنوان بازیگر صحنه عمومی در جامعه متولد می شوند و به وسط میدان می آیند. امسال جنبش ناسیونالیستی شکست قطعی می خورد. به این دلیل که پرچمش را جمهوری اسلامی بدست می گیرد.

صفحه ۳

در صفحات دیگر

اعتصابات کارگری وسیع و معضل حل نشده شکل کارگری - محمود قزوینی صفحه ۲

ساعات پخش تلویزیون پرتو

۸:۳۰ تا ۹:۳۰ هر شب به وقت تهران
تکرار: روز بعد ۲ تا ۳ بعد از ظهر،
ماهواره هات برد، کاتال ۶

نشریه مزب کمونیست کارگری -

حکمتیست هر هفته دو شنبه ها منتشر
می شود

پرتو را بفوائد و به دوستان خود معرفی
کنید

زنده باد سوسیالیسم

اعتصابات کارگری وسیع و معضل حل نشده تشکل کارگری

محمود قزوینی



در ادامه چند روز اعتصاب و تجمع، صبح روز دوم اسفند در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای خود، در مقابل فرمانداری کامیاران تجمع کردند.

کارگران کارخانه نیشکر هفت تپه شوش از روز ۲۹ بهمن ماه دست به اعتصاب گسترده زده اند. کارگران روز ۲ اسفند ماه در محوطه شرکت دست به تجمع و اعتراض زدند.

نزدیک به ۸۰۰ تن از کارگران شاغل در سد عباسپور این شهر اخراج شده اند و در یک اقدام متحدانه با دیگر کارگران این شرکت، نزدیک به یک هفته است در محوطه شرکت دست به تجمع و اعتراضات گسترده زده اند. بنابه گزارشات منتشر شده، در این سد حدود ۱۸۰۰ نفر شاغل هستند و نزدیک به ۵ ماه است حقوق آنها پرداخت نشده است.

در اول اسفند ۵۰۰۰ کارگر لوله سازی اهواز تهدید به اعتصاب کردند.

کارگران مگاموتور در مقابل ۸ روز دیگر پرداخت حقوق خود دست به اعتصاب ۲ ساعته هشدار در روزهای ۲۲ و ۲۳ اسفند زدند.

اعتراض کارگران چینی حمید در ۲۰ اسفند، اعتصاب کارگران راه آهن طبرستان در ۲۰ اسفند، اعتصاب کارگران لامپ الوند قزوین در ۱۹ اسفند، اعتصاب کارگران شهرداری سعدآباد بوشهر در ۱۶ اسفند، اعتصاب کارگران پارس مینو در تهران، تجمعات اعتراضی کارگران شرکت آذین شوشتر، اعتصاب کارگران شهرداری بوشهر، اعتراض کارگران کیان تایر، تجمع کارگران سد توانکش و هل توشان در مقابل فرمانداری کامیاران، اعتراض کارگران سد عباسپور و.... از جمله این اعتراضات بوده اند.

و هم چنین یک همبستگی جهانی با

اگر یک ناظر خارجی، یک فعال کارگری از خارج از ایران اتفاقات و اعتراضات و اعتصابات کارگری ایران را دنبال کند، دچار تعجب خواهد شد که چگونه در کشوری اعتراضات و اعتصابات کارگری با وسعت ادامه مییابد، اما تشکل یابی کارگران هنوز در مرحله مقدماتی آن قرار دارد و هنوز چشم انداز فوری برای ایجاد تشکل کارگری وجود ندارد. اگر ناظر ما فقط به حرکت های اعتراضی و اعتصابی اسفند ماه امسال نگاه کند، خواهد دید، اعتراضات کارگری در ایران در سطح نسبتاً گسترده جریان دارد و روحیه مبارزه جوئی و پیکار در کارگران ایران نسبت به بسیاری از کشورها بالاتر است، اما از تشکل خبری نیست.

فقط در ماه اسفند دهها اعتصاب و اعتراض کارگری در ایران صورت گرفته است که برخی از آنها مانند اعتصاب کارگران هفت تپه را میتوان جزء اعتصابات قدرتمند نامید.

در روز ۲۰ اسفند نزدیک به ۴۰۰۰ نفر از کارگران هفت تپه به مدت ۴ روز دست به اعتصاب زدند و کارفرما را مجبور ساختند تا حقوق معوقه آنها را پرداخت کند.

روز ۵ اسفند ماه، کارگران ذوب آهن اردبیل با خواست پرداخت حقوق و مطالبات معوقه خود، در مقابل ساختمان مرکزی کارخانه ذوب آهن اردبیل دست به تجمع زدند.

جمعی از کارگران بازنشسته کارخانه شاهور در اعتراض به عدم دریافت مطالبات گذشته، عیدی، پاداش و سنوات کاری خود، در مقابل سازمان تأمین اجتماعی سندانج تجمع کردند.

کارگران سد توانکش و هل توشان کامیاران که ۴ ماه است حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده اند،

کارگران ایران در روز ۶ اسفند باید احساس قدرت بیشتری در میان فعالین کارگری ایجاد کرده باشد.

همه این تحرکات فقط در ماه اسفند اتفاق افتاده است. با این همه در ایران هنوز یک تشکل کارگری نمونه شکل نگرفته است. تنها تشکل شکل گرفته یعنی سندیکای شرکت واحد با سرکوب رژیم مواجه شده است. رژیم با سرکوب سندیکای شرکت واحد و برسمیت نشناختن آن و هم چنین حاکم بودن افق سندیکالیستی بر رهبران سندیکا، عملاً سندیکا را از کارائی انداخته است و سندیکا نمیتواند کارگران شرکت واحد را در این شرایط نمایندگی کند.

چرا اینطور است؟ چرا هنوز پس از سالها مبارزه اعتصابی وسیع، به تشکل دست نیافتیم؟

شکی نیست که اختناق و سرکوب مانع اصلی تشکل یابی کارگران ایران است و با برداشتن این مانع کارگران در سطح وسیع در تشکل های صنفی و سیاسی خود متشکل خواهند شد. اما برداشتن این مانع به یک پیشروی جنبش اعتراضی کارگران و مردم در سطح سیاسی و تحمیل عقب نشینی به رژیم و یا سرنگونی آن نیاز دارد. اما کارگران میتوانند در همین شرایط اختناق و سرکوب به تشکل خود دست یابند. وجود هزاران اعتصاب در سال و تداوم همیشگی آن علیرغم سرکوبهای وسیع در طول عمر رژیم جمهوری اسلامی به فعالین کارگری این را میگوید که دستیابی به تشکل در این

شرایط نه تنها ممکن بلکه دیر شده است و اتفاقاً این ممکن است که اختناق رژیم از طریق تشکل یابی کارگران بشکند و اعتراضات گسترده تر و سازمان یافته تر طبقه کارگر صحنه سیاسی ایران را اشغال کند. دستیابی به تشکل کارگری در همین شرایط ممکن است و فعالین کارگری باید بر مشکل امروز فائق آیند. نمونه سازمانیابی کارگران و دستیابی آنها به تشکل مستقل خود در شرایط اختناق و سرکوب در جهان کم نیست. اتحادیه های کارگری در زیر حکومت تزاری، اتحادیه کارگران آفریقای جنوبی در زمان

رژیم آپارتاید، اتحادیه همبستگی لهستان، اتحادیه های کارگری در برخی از حکومت های نظامی در آمریکای لاتین، اتحادیه های کارگری در مراکز صنعتی چین در دهه ۲۰ تا ۴۰ قرن ۲۰ و در ایران اتحادیه های تشکیل شده در زیر اختناق حکومت رضا شاه و نمونه اتحادیه صنعتگر در سندانج ایران در مختنق ترین شرایط یعنی بین سالهای ۶۵ تا ۶۸ فقط نمونه های از تشکلهای کارگری در زیر سرنیزه حکومت های استبدادی و نظامی بوده اند.

نقشه تشکیل سازمانهای کارگری باید روی میز رهبران و فعالین کارگری قرار گیرد و به آن پاسخ داده شود. در طول چند سال اخیر نهادهای حاشیه ای در جنبش کارگری مانند کمیته پیگیری و کمیته هماهنگی و... جای تلاش واقعی برای تشکل یابی کارگران را گرفتند و یا بهتر است بگویم حداقل موجب هرز رفتن نیروی بخشی از فعالین کارگری شده اند. تلاش واقعی برای تشکل یابی کارگران بر متن زندگی و مبارزه جاری کارگران صورت میگیرد. شرکت واحد یک نمونه از این تلاش بود. اما ساختن تشکل کارگری بر متن اعتراض و مبارزه اعتصابی کارگران که در سطح وسیعی در جریان است، بسیار ساده تر و سریع تر میتواند صورت گیرد و شکل گیری تشکلات بر متن این مبارزات از ابتدا خصوصیات مبارز و رادیکال را بر خصوصیت تشکل حک میکند.

فعالین کارگری نباید فقط دنبال تشکل تشکل کارگری بر متن این اعتراضات باشند. اگر چه متشکل کردن کارگران و سازمانیابی آنها در حالت غیر اعتراضی دشوار است، اما شکل گیری آن ممکن است. ایجاد تشکل و اتحاد، مبارزه جوئی را در کارگران دامن میزند و تشکل یابی کارگران را وسعت میدهد.

ساده ترین راه فائق آمدن بر مشکل تشکل یابی امروز از راه برگزاری مجمع عمومی های منظم در مجتمع های متوسط و بزرگ صنعتی و انتخاب هیات های نمایندگی کارگران

صفحه ۴

نه قومی، نه مذهبی، زنده باد هویت انسانی

سالی که گذشت،

از نظر من سال ۸۶ سال شکست است. سال پیروزی است. سال تولد است. سال مرگ است. سال تعرض به دستمزدها است. سال مبارزه برای دفاع از دستمزدها است. مخلوطی از همه اینها است. فکر میکنم در این سال اتفاقات متنوعی افتاده و باید روند اوضاع را دید. تا این که به چند واقعه خیره ماند.

پرتو: سال گذشته شاهد تعرض بیشتر جمهوری اسلامی به کل جامعه بودیم. از حمله به سطح معیشت مردم، تورم و گرانی گرفته تا افزایش صدور احکام اعدام و زندان. در کنار اینها انشعابات درون احزاب را هم شاهد بودیم. آیا شما برای این وقایع زمینه مشترکی می بینید؟

کوروش مدرسی: ببینید، باید به این واقعیت توجه کرد که اتفاقات جامعه و کلا تاریخ، پدیده ای عینی هستند چنان که مارکس می گوید. در نتیجه مواردی که شما اشاره کردید ناشی از شانس و تصادف نیست بلکه تابع یک قانون است. یک رشته ی مشترکی این دانه های تسبیح را به هم وصل می کند و از آن شکلی می سازد که در جامعه ایران می بینید. چیزی که همه اینها را به هم وصل می کند شکست یک توهم یا بهتر است بگویم شکست یک افق بسیار با نفوذ در جامعه است.

مردم وقتی علیه جمهوری اسلامی مبارزه می کنند، تصویری از آینده دارند، بر اساس این تصویر توقع دارند اتفاقاتی بیفتد، بر اساس این تصویر معیاری برای مثبت و منفی و یا دوست و دشمن میگذارند. بر اساس این تصویر از قدرت و نیازهای صف دوست و دشمن ارزیابی دارند. بر اساس این تصویر امیدوار و نا امید، خوشحال و ناراحت می شوند. این تصویر یا افق را جامعه از جایی می گیرد. از یک تصویر عمومی می گیرد که ما به آن جنبش اجتماعی می گوئیم.

بطور مثال، تصویری که احزاب ناسیونالیست ارائه میدهند، این که

جمهوری اسلامی منافع ملت ایران را نمایندگی نمیکند. حکومت شاه ملت ایران را بزرگ کرده بود، بدی جمهوری اسلامی در این است که مانع رشد سرمایه داری است و گویا سرمایه داری برای مردم منشا خیر است، مشکل عرب ها هستند که آمدند و ایران را گرفتند، ایرانی باید بزرگ باشد و... و این به تصویر بخش قابل توجهی از مردم هم تبدیل شده بود.

امسال معلوم شد اتفاقا خود جمهوری اسلامی بهتر این اهداف را متحقق میکند. ایران هیچوقت تا این حد در دنیا و منطقه قدرت فائقه نبوده و چنین نفوذی نداشته است. امسال معلوم شد که این اپوزیسیون اشتباه میکرده و برعکس تصویر آنها، حکومت جمهوری اسلامی خیلی هم ایرانی است و ایران را در دنیا مطرح کرده است.

در این سال بی ربطی افق ناسیونالیسم به زندگی طبقه کارگر و زحمتکش جامعه هر چه بیشتر معلوم شد. بخش زیادی از مردم تصورشان بر این بود که آمریکا میتواند یک عنصر نجات دهنده باشد، که جمهوری اسلامی همین

آن احزابی که به نوعی سرشان به ناسیونالیسم وصل بود به لحاظ ایدئولوژیک شکست خوردند.

مسئله دیگر این است که جمهوری اسلامی در یک سال گذشته به معیشت کارگران و زحمتکشان آن جامعه تعرض را بیشتر کرده است. این تعرض برای سود آور کردن سرمایه است. روشن است که سود آوری سرمایه در صورتی تامین میشود که سطح معیشت طبقه کارگر پایین آورده شود. متعارف کردن سرمایه در یک کشور یعنی تعرض به حقوق و دستمزد کارگران، یعنی بستن درهر کارخانه ای که برای سرمایه سود آور تشخیص داده نشود، یعنی اینکه اگر کارخانه ای هم که برای درمان کودکان و بیماران پنسلین تولید میکند اگر سود آوری اش کم باشد در آن را می بندند. این منطق سرمایه داری است.

در حالیکه کل اپوزیسیون بورژوائی ایران اساسا فقط با اسلامیت رژیم مشکل دارد. از این رو شکست افق ناسیونالیسم ایرانی در همه ابعاد سیاسی، اقتصادی، آرمانی و تاکتیکی تأثیرش را بر

در این سال بی ربطی افق ناسیونالیسم به زندگی طبقه کارگر و زحمتکش جامعه هر چه بیشتر معلوم شد. بخش زیادی از مردم تصورشان بر این بود که آمریکا میتواند یک عنصر نجات دهنده باشد، که جمهوری اسلامی همین روزها است که بیافتد، "بعد از عراق نوبت ایران است" بدون فکر کردن به اینکه اگر مردم متشکل نشوند، متحد نشوند، تحزب پیدا نکنند و مسلح نشوند، جمهوری اسلامی خودش نمی افتد.

جامعه ایران هم گذاشته است.

پرتو: شما گفتید که تورم و گرانی موجود و عدم پرداخت دستمزدها مربوط است به این که دولت به عنوان نماینده طبقه حاکمه در ایران می خواهد به یک دولت سرمایه داری متعارف تبدیل شود. آیا این فقط به دلیل نیاز اقتصادی است یا مشکلات دیگری هم هست که تأثیر گذاراند؟

کوروش مدرسی: تورم، عدم پرداخت دستمزدها، بستن کارخانه هایی که سود نمی دهند، خصوصی کردن و... خصوصیات

اسلامی نیست. اینها خصوصیات یک نظام سرمایه داری است. سرمایه داری برای آن که سود آور شود باید این کار را بکند و جمهوری اسلامی هم دارد همین کار را می کند. همه جا همینطور است. اگر رضا پهلوی، جبهه ملی، سازمان چریک های فدایی اکثریت، هر کدام از این جریانها بورژوائی قدرت را در دست بگیرند و بخواهند اقتصاد ایران را در چهار چوب نظام بورژوائی اداره کنند، باید به معیشت طبقه کارگر تعرض کنند. این مسیر برای جمهوری اسلامی دو رکن دارد.

اول؛ تعرض وسیع تر به طبقه کارگر برای سود آورکردن سرمایه

دوم؛ تضمین امنیت برای سرمایه، که اساسا از طریق کوتاه کردن دست آخوندها، سیستم فتوا و فقاقتی، از صحنه سیاست امکان پذیر است. باید امنیت سرمایه تامین شود. در جمهوری اسلامی سرمایه داری فاقد امنیت است. در نتیجه این دو مسئله در کنار هم خصوصیت تمام بخش های سرمایه داری در ایران را بدست میدهد.

سرمایه داری غیر فقر زده در ایران نمی توانیم داشته باشیم. تورم ابزار این است که معیشت طبقه کارگر را پایین بیاورند. تورم یعنی این که ارزش پول کاهش یافته و در نتیجه قیمت همه چیز بالا میرود. از آنجاییکه دستمزد کارگر را با پول می دهند، کاهش ارزش پول به این معنی است که در آمد کارگر و زحمتکش نیز کاهش یافته است. برای سرمایه داری پیامد تعرض به معیشت، افزایش سود سرمایه است.

همان طور که گفتیم، اینها نتیجه اسلامی بودن این رژیم نیست. کسانی که این را فقط به اسلامیت رژیم نسبت

می دهند می خواهند روی ماهیت سرمایه دارانه این رژیم سرپوش بگذارند. این رژیم، رژیمی سرمایه داری است و این تعرضات، تعرض وسیع تر سرمایه داری است نه تعرض اسلامیت.

اعتصابات کارگری

برای پیگیری مطالبات کارگران در همه زمینه ها و ایجاد اتحادیه های کارگری در کارگاههای کوچک و بخشهایی که کارگران بسیار پراکنده هستند مانند کارگران بخش ساختمانی و کشاورزی و ... است. در این بخشها به علت ناتوانی کنترل رژیم بر آن سازمانیابی کارگران میتواند سریعتر صورت پذیرد. در حالی که رژیم کنترل شدیدی را بر مجتمع های بزرگ صنعتی اعمال

میکند و ایجاد تشکل باقوم در آنجاها مشکل است، کنترل رژیم بر کارگاههای کوچک و بخصوص کارگران بخش ساختمانی به دلیل پراکندگی کارگاهها بسیار محدود است. برای همین ایجاد اتحادیه کارگری در این بخش میتواند با سهولت بیشتری صورت گیرد. چند فعال کارگری شناخته شده در این بخش با نقشه آگاهانه میتوانند در عرض مدت کوتاهی بخش زیادی از کارگران را متحد کنند.

باید بر معضل دستیابی کارگران به تشکل کارگری فائق آمد. باید بر این تناقض فائق آمد که اعتراض و اعتصاب کارگری سالها بطور مداوم در جریان است، اما از تشکل کارگری خبری نیست. شرایط سیاسی حاضر در ایران و وجود اعتراضات و اعتصابات وسیع در چند سال اخیر موقعیت بسیار مناسبی را برای فائق آمدن بر این مشکل فراهم ساخته است. طبقه کارگر ایران باید به تشکل مستقل و مبارزه جوی خود دست

یابد. با دستیابی طبقه کارگر به تشکل مستقل و واقعی نه رژیم جمهوری اسلامی و نه هیچ رژیم دیگری جرات شلاق زدن و به زندان و افکندن کارگران را ندارد، جرات بالا کشیدن مزد کارگران را پس از کار ندارند. با دستیابی کارگران به تشکل ورود طبقه کارگر به صحنه سیاسی ایران بطور واقعی اتفاق میافتد.

ادامه دارد

یاد "کمون پاریس":

ولی الزاما سازمان انترناسیونال راسا مسئول اقداماتشان نیست (از مصاحبه خبرنگار روزنامه World با مارکس، ۳۱ ژوئیه ۱۸۷۱). این حقیقت که انقلابی بزرگ و متفکر کمونیست زمانه، کارل مارکس در راس انترناسیونال و مغز و رهبر آن بود، علاوه بر اهمیت تأثیرگذاری آن بر کمون، از آن نظر هم مهم بود که مارکس روند جنگ فرانسه و آلمان و کل سرگذشت قیام پاریس و شکست آن را در متن اسناد درخشانی به گنجینه غنی تئوری کمونیسم اضافه کرد. دو قطعنامه درباره جنگ فرانسه و آلمان و رساله "جنگ داخلی در فرانسه" راجع به کمون، که هر سه به قلم مارکس و به نام انترناسیونال همزمان با رویدادها منتشر شدند، تمام تجارب و درسها، تمام دستاوردها و کمبودهای این خیزش شورانگیز کارگری را با دقت و موشکافی بی نظیر و نیز با انصاف و مسئولیت بی نظیر تحلیل و ثبت کردند و در اختیار کمونیستها و کارگران انقلابی و نسلهای بعدی شان گذاشتند.

از میان این تجارب، در این اشاره کوتاه، تنها میتوان بر چند مورد از مهمترها تاکید گذاشت و خواننده را برای آموزش بیشتر به مطالعه نوشته های مارکس و انگلس و لنین در این زمینه فراخواند. از مهمترین تجارب اینکه قیام پاریس که با گرفتن قدرت توسط کمیته مرکزی "گارد ملی" شروع شد و دولت بورژواها را به فرار

و داشت، تعرض خود را ادامه نداد، دولتیان فراری را بحال خود گذاشت و نیرویشان را متلاشی نکرد. تجربه کمون نشان داد که طبقه کارگر نمیتواند ماشین دولتی بورژوازی را دست نخورده در اختیار بگیرد، بلکه برای پیروزی ناچار است آن را در هم بشکند، یک وجه اولیه تداوم انقلاب، در هم شکستن کامل ماشین دولتی

شبهانه نانوآخانه ها، سپردن کارخانه های رها شده به تعاونیهای کارگران، لغو اجاره ها و سفته ها و ...، تعرض معینی به سرمایه کردند. اما دامنه اقدامات انقلابی و تعرض به سرمایه محدود بود. تجربه کمون نشان داد که طبقه کارگر بدون فرارفتن از کسب قدرت سیاسی به انقلاب اقتصادی و بدون دست بردن به

کمون پاریس، بعنوان نخستین تجربه مسلح شدن کارگران در ابعاد صدها هزاری و تن ندادن به تلاش بورژوازی برای خلع سلاح آنها، بعنوان نخستین تجربه در دست گرفتن قدرت توسط کارگران و اعمال حکومت شورائی، بعنوان تجلیگاه انسانیت و عدالتخواهی طبقه کارگر، بعنوان صحنه بروز قهرمانی و جانفشانی طبقه کارگر برای رهایی از بردگی و تحقیر طبقاتی، نقطه عطفی مهم و فراموش نشدنی در حیات طبقه کارگر است.

ریشه مشقات طبقه کارگر یعنی سیستم مالکیت بورژوائی و بردگی مزدی (انقلاب مداوم در قلمرو اقتصاد) نمیتواند قدرت سیاسی را هم نگاهدارد و دیر یا زود مجدداً یوغ حاکمیت سرمایه و سرکوب بورژوائی را بر گردن خود خواهد یافت.

با اینهمه کمون پاریس، بعنوان نخستین تجربه مسلح شدن کارگران در ابعاد صدها هزاری و تن ندادن به تلاش بورژوازی برای خلع سلاح آنها، بعنوان نخستین تجربه در دست گرفتن قدرت توسط کارگران و اعمال حکومت شورائی، بعنوان تجلیگاه انسانیت و عدالتخواهی طبقه کارگر، بعنوان صحنه بروز قهرمانی و جانفشانی طبقه کارگر برای رهایی از بردگی و تحقیر طبقاتی، نقطه عطفی مهم و

فراموش نشدنی در حیات طبقه کارگر است. مارکس در گرماگریم رویدادهای کمون در نامه ۱۷ آوریل خود به کوگلمان مینویسد: مبارزه طبقه کارگر علیه طبقه سرمایه دار و دولت آن، با کشمکش پاریس وارد فاز جدیدی شده است. نتایج بلاواسطه هرچه باشد، یک نقطه حرکت دارای اهمیت جهانی-تاریخی بدست آمده است (جلد ۴۴ مجموعه آثار انگلیسی مارکس و انگلس، ص ۱۳۷).

"کمون پاریس" تنها دو ماه و ده روز توانست در قدرت بماند؛ ۲۸ مه آخرین رزمندگان آن در مقابل نیروی دهها برابر بیشتر لشکر دشمن از پا درآمدند و قهرمانانه جان باختند. بورژوازی چون درنده زخم خورده به جان کارگران انقلابی افتاد، سی هزار تن را قتل عام و چهل هزار را زندانی کرد. بورژوازی در برابر جسارت و تعرض بخش انقلابی طبقه کارگر، از کل طبقه انتقام گرفت. درحالیکه در طول قدرت کمونرها شمار کشته شدگان از شصت نفر تجاوز نکرد. بورژوازی هرگز از معادل شمردن انقلاب با "خشونت" دست برنداشته است. بورژوازی که فقط با اعمال خشونت سازمانیافته دولتی قادر به تحمیل یوغ حاکمیت و استثمار خود بر کرده طبقه کارگر است، هرگاه کارگران برای رهایی خود به اسلحه بیرند و به قهر متوسل شوند، تلاش آزادیخواهانه آنان را "خشونت" مینامد. تجربه کمون این دروغ

صفحه ۶

دست مذهب از زندگی مردم کوتاه!

سالی که گذشت

پرتو: با این توضیحات به نظر شما چرا بخش عمده ای از احزاب اپوزیسیون سمپاتی زیادی دارند به این که رژیم را بیشتر به عنوان یک رژیم اسلامی که لیاقت حکومت کردن ندارد، تصویر کنند؟

کوروش مدرسی: ببینید بطور قطع این رژیم، رژیم اسلامی است و یک بخش مهم از مبارزه مردم ایران هم علیه همین وجه است. این رژیم اسلامی است و قوانین پوسیده ی اسلام را بر زندگی مردم حاکم کرده است. آپارتاید جنسی را برقرار کرده و شنیع ترین و کثیف ترین نوع رفتار حکومتی را با مردم دارد. این یک واقعیت است و اعتراض را از همه بخشهای جامعه متوجه خودش می کند. این دیگر کارگر و فقیر و سرمایه دار نمی شناسد. آپارتاید جنسی شامل وضعیت همه زنان است چه زنی که خودش سرمایه دار است و چه زنی که کارگر است.

اما اتفاقی که می افتد این است که بخشی از احزاب بورژوازی، احزایی که مخالف رفتن زیر نور افکن رابطه کارگر و سرمایه دار به عنوان کنه مسئله و هسته وجودی آن جامعه، هستند، به مردم می گویند که دلیل اینکه جمهوری اسلامی اینچنین رفتار می کند، از اسلامیت رژیم است، از تازی و غیر ایرانی بودن آن است، از این است که عوامل آن از ته جامعه آمده اند و ... می گویند رشد سرمایه داری یعنی رفاه، برای اینکه مردم مرفه شوند باید سرمایه داری رشد کند. این را نمی گویند که رشد سرمایه داری در ایران یعنی بدبختی و به فلاکت کشیده شدن مردم و طبقه کارگر.

اینها جنبش هائی واقعی و موجوداند. به جلوی صحنه می آیند تا مردم را به افق خود قانع کرده و مبارزه آنان را صرفا علیه جمهوری اسلامی و در قالب حرکتی ضد اسلامی محدود کنند. به بیان دیگر، اگر بطور مثال آقای داریوش همایون در فردای ایران نخست وزیر شود، جدایی مذهب از دولت را اعلام کند، آپارتاید

جنسی را لغو کند، (که البته همه این کارها را هم نمیخواهد بکند) و بقیه سیستم را نگه دارد، لایب مردم باید خودشان را پیروز احساس کنند. در حالیکه واقعیت این است که طبقه کارگر و زحمتکش آن جامعه تازه باید مبارزه را شروع و برای حل "مشکلاتشان" بجنگد! ما به عنوان بخشی از طبقه کارگر، به عنوان کمونیست های طبقه کارگر وظیفه مان این است که به کارگر و زحمتکش جامعه بگوئیم که خودتان را برای جنگ آینده آماده کنید. باید حقیقت را به مردم بگوئیم که این نوع سرنگونی جمهوری اسلامی برای کسی خوشبختی به بار نمی آورد. آن سرنگونی مد نظر ما است که توسط طبقه کارگر صورت بگیرد. این آن انقلابی است که میتواند در ابعادی وسیع برای مردم خوشبختی بوجود بیاورد.

به نظر من، زیر فرش کردن خصلت سرمایه دارانه رژیم از جانب بورژوازی، یک سنت

۸۶ از نظر شما کدامند؟

کوروش مدرسی: بنظر من بهترین اتفاقی که در این سال افتاد این بود که معلوم شد کمونیستها حق داشتند. معلوم شد که سنگر مبارزه برای آزادی، سنگر کمونیست و سنگر چپ جامعه است. که سنگر مبارزه برای حق زن سنگر کمونیست ها و اساسا سنگر طبقه کارگر است. اتفاق بزرگی روز ۱۳ آذر افتاد. زمانی که دانشجویان چپ به عنوان تنها نیرویی که مبارزه ای متشکل و متحد و خود آگاه در مقابل جمهوری اسلامی را پیش میبردند به جلوی صحنه آمدند. بعنوان نیرویی که ناسیونالیست نیست، لیبرال نیست، اسلامی نیست، به جمهوری اسلامی هیچ گونه توهمی ندارد و کاملا میداند که قدرتش را از کدام طبقه می گیرد. حزبی بودن یا نبودن این اتفاق امری تماما فرعی به شمار می آید. اینها خود را بخشی از مبارزه طبقه کارگر

بنظر من بهترین اتفاقی که در این سال افتاد این بود که معلوم شد کمونیستها حق داشتند. معلوم شد که سنگر مبارزه برای آزادی، سنگر کمونیست و سنگر چپ جامعه است. که سنگر مبارزه برای حق زن سنگر کمونیست ها و اساسا سنگر طبقه کارگر است. اتفاق بزرگی روز ۱۳ آذر افتاد. زمانی که دانشجویان چپ به عنوان تنها نیرویی که مبارزه ای متشکل و متحد و خود آگاه در مقابل جمهوری اسلامی را پیش میبردند به جلوی صحنه آمدند.

ایران می دانند. همچنین تجربه کارگران هفت تپه را داشتیم و... اینها اتفاقات بسیار شورانگیزی است که در سال گذشته به وقوع پیوست.

این اتفاقات درهایی را به روی جنبش آزادیخواهانه و برابری طلبانه مردم ایران باز کرد. سرانجام در خیلی از اذهان تثبیت شد که اگر کسی خواهان آزادی و برابری است و اگر سعادت بشر را می خواهد، راهش رفتن بنیبال جنبش های بورژوایی نیست. بلکه راهش رفتن به دنبال یک جنبش چپ کارگری است. کمونیستها در ایران عروج کردند و از جمله نام حزب حکمتیست به میان جامعه آمد و توجه به سویش جلب شد. این اتفاقات شورانگیز دریچه بزرگی از فرصت را به روی

آگاهانه و جا افتاده بورژوازی بوده است. بخشی از چپ هم به نوعی به آن گرفتار است که ما به آن گفته ایم "پوپولیسم". آنها هم پرده روی واقعیات میاندازند. با پرده انداختن روی منافع متناقض در این صف مردم این کار را میکنند. مارکسیست ها معتقد اند که جامعه طبقاتی است و طبقات مختلف منافع مختلفی دارند، این طبقات علیه همدیگر اسلحه بر می دارند. نباید ذهن طبقه کارگر را نسبت به جامعه ای که در آن زندگی میکند مغشوش کرد. در بحث کمون پاریس هم که گفتیم، اتفاقا کمونارها هم همین اشتباه را کردند. اما این اشتباه در انقلاب روسیه تکرار نشد.

پرتو: اتفاقات خوب و مثبت سال

طبقه کارگر، کمونیستها و به روی چپ آن جامعه در ابعاد عمومی باز کرده است.

پرتو: در سال گذشته ما دو فراخوان بین المللی در حمایت از رهبران فعالین کارگری در ایران محمود صالحی و منصور اسانلو داشتیم. در دهها کشور و اخیرا در ۴۱ کشور دنیا تحرکات خیلی زیادی صورت گرفت که در سالهای گذشته سابقه نداشته است. مسئله مهم دیگری که اتفاق افتاد این بود که دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب از داخل کشور دو بار فراخوان تجمع دادند. این اولین باری بود، دست کم در عمر سیاسی من در سی سال گذشته، که نیرویی از داخل کشور فراخوان می دهد و همه احزاب خارج از کشور از چپ و حتی بخش از راست، از آن حمایت می کنند و به میدان می آیند. این اتفاقات را در این سال چگونه توضیح می دهید؟

کوروش مدرسی: اینها اتفاقات خیلی مهمی است و جنبه مثبتی از همان تصویری است که در سوال قبل اشاره کردم.

ببینید، نیروی جدیدی متولد شده است. لیست وسیعی از هنرمندان ایران از فراخوان ایرج جنتی عطایی در حمایت از این نیروی جدید که دانشجویان آزادی خواه و برابری طلب باشد، استقبال کرده اند. این اساسا اعلام حمایت از چپ جامعه است. در حالیکه هنرمندان جامعه تا کنون اغلب از فلان شخصیت ناسیونالیست، یا فلان شخصیت میهن پرست و... حمایت میکردند. تا جایی که من به یاد دارم این اولین بار است که هنرمندان از کسانی که شعار آزادی و برابری سر داده اند، کسانی که خود را چپ مینامند و بخش زیادی از آنان خود را سوسیالیست و مارکسیست میدانند، دفاع کرده و خواستار آزادی آنان شده باشند. این فقط نشان دهنده قدرت چپ و ناتوانی راست جامعه است. نشانه ی از سکه افتادن افق راست و نا امیدی ای است که در افق راست هست. و گر نه منطبق جامعه که خود به خود فرقی نکرده

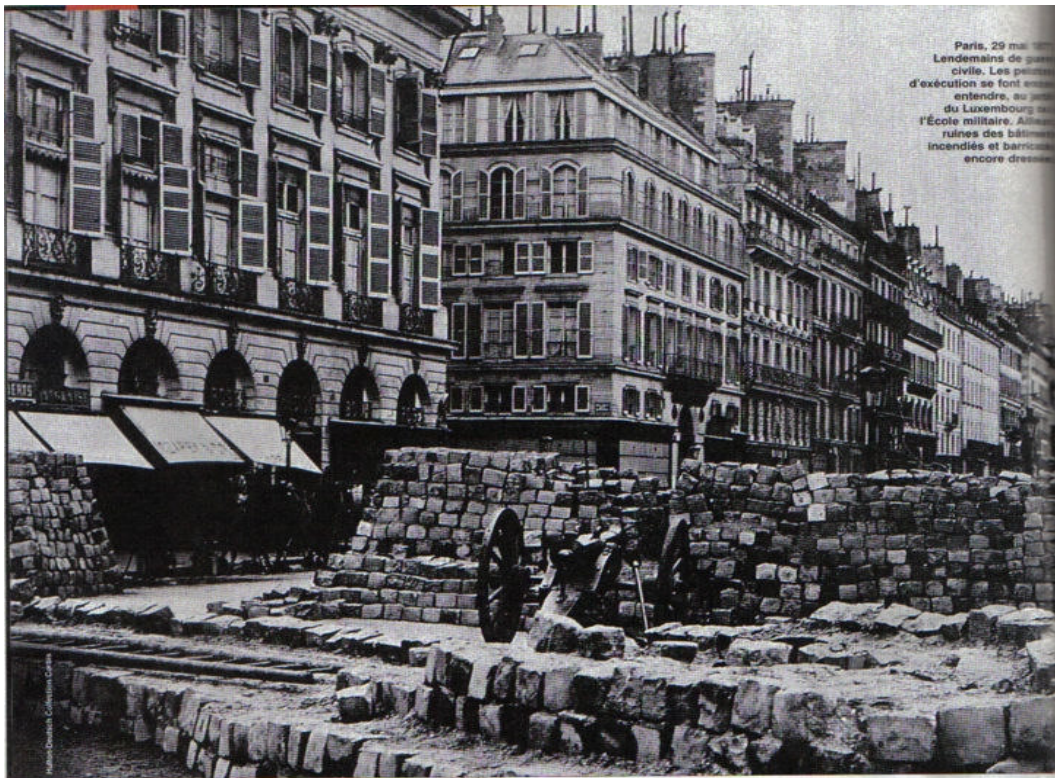
آزادی برابری حکومت کارگری



شلنگ تخته ای و بی محابای اینترنتی بیرون بیاید و یک جایی پا روی زمین بگذارد و خود را نگه دارد. این اتفاقات تأثیرات عمیقی در چپ و در مارکسیسم و کمونیسم آن جامعه گذاشته است. حزب ما باید افتخار کند که نقشی در این رابطه داشته باشد.

سالی که گذشت

است. یا در مورد فراخوانی که دانشجویان آزادی خواه و برابری طلب می‌دهند و پاسخی که از خارج میگیرند. می بینیم که همه اپوزیسیون مجبور میشوند خودشان را به یک لنگری، حتی اگر اسمش را هم نمی آورند وصل کنند. یا فراخوانی که برای دفاع از اساتلو و صالحی داده می شود، نیروهای راست که ساکت میمانند. اما آن جریانی که به خودش می گوید چپ مجبور میشود تا از نیای



باد "کمون پاریس":

سازمانیافته بورژوازی و قلم بدستان مزدورش را، که در واقع مکمل خشونت سازمانیافته بورژوازی علیه طبقه کارگر است، تماماً رسوا کرد. تجربه کمون به طبقه کارگر میآموزد که مرعوب این دروغ بزرگ نشود و در بکار گرفتن نیروی انقلابی خود برای گرفتن قدرت و برانداختن بساط سرمایه تردید نکند. بویژه در این دوره سناریو سیاه جهانی، کارگران انقلابی و حزب کمونیستی طبقه کارگر، باید با این درس ارزنده "کمون پاریس"، خاطره عزیز کمونهای قهرمان را گرمی بدارند.

"کمون پاریس" برای همیشه زنده و آموزنده است. زنده باد کمون! زنده باد کمونیسم!

به تلویزیون پرتو کمک مالی کنید!

تلویزیون پرتو تریبون زن، کارگر و جوان معترض، تریبون آزادیخواهی است.

کمکهای خود را میتوانید به شماره حساب زیر واریز کنید.

دارنده حساب : A.J شماره حساب: 60281719

کد بانکی: 205851 نام بانک: Barclays



زنده باد آزادی، زنده باد برابری